


تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓

 www.ToranjBook.Net

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)

| | | | | | | |
|--------------|--|-----------|--|-------------------------|--------------------------------------|------------|
| مهر آموزشگاه | پایه: یازدهم | | بسمه تعالی | | نام و نام خانوادگی: | |
| | تاریخ امتحان: | | اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر | | نام درس: نگارش | |
| | زمان: 75 دقیقه | | اداره آموزش و پرورش شهرستان دلوار | | رشته تحصیلی: معارف | |
| | تعداد صفحات: 2 صفحه | | سال 1401 سال «تولید، دانش بیان و اشتغال آفرین» | | دبیرستان دخترانه علوم و معارف اسلامی | |
| | با عدد: | نمره | مجله امضا | نام و نام خانوادگی مصحح | با عدد: | نمره برگه: |
| | با حروف: | تجدید نظر | | هادی اهرمی | با حروف: | |
| بارم | هر کس با کتاب ها آرامش یابد، راحتی و آسایش از او سلب نمی گردد. امام علی (ع) | | | | | ردیف |
| | <p style="text-align: right;">بازشناسی (2 نمره)</p> <p>1- با توجه به متن زیر که بخشی از یک سفرنامه است؛ جدول را کامل کنید.</p> <p>روز سوم به مسجد امام رفتیم. یکی از ویژگی های این مسجد گنبد آن است. این گنبد طوری ساخته شده که اگر زیر آن بایستیم و آرام صحبت کنیم، صدا انعکاس پیدا می کند. از صحبت های راهنما فهمیدیم که در گذشته به دلیل نبودن دستگاه های صوتی سخنرانان از این ویژگی استفاده می کرده اند. بچه ها از تعجب دهانشان باز مانده بود. یکی از بچه ها به شوخی گفت: معلوم میشه سازندگان و معماران این گنبد خیلی به بخش پژواک علاقه داشتند و اگر الان زنده بودند در فیزیک و ریاضی نمره عالی می گرفتند.</p> <p>الف) زمان و مکان:</p> <p>ب) نکته جذاب و جالب:</p> <p>2- در متن زیر دو مورد از ویژگی های رفتاری شخصیت داستان را بنویسید.</p> <p>پدرم مردی بود میانسال، چهارشانه با قدی متوسط و صورتی گرد و چشمانی قهوه ای که درخشش آن را هنگامی که به آن زل می زد، می دیدی. پدر اراده ای آهنین داشت و پشتکار مثال زدنی، بسیار خوش قلب و دل نازک بود تحمل دیدن صحنه های دلخراش را نداشت</p> <p>ویژگی های رفتاری:</p> <p>ویژگی های ظاهری:</p> | | | | | الف) |
| .5 | | | | | | |
| .5 | | | | | | |
| .5 | | | | | | |
| .5 | | | | | | |
| 1 | | | | | | |

سازه های نوشتاری (4 نمره)

1/5

3- حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.

یکی را شنیدم از پیران مربی که مریدی را هم یگفت: ای پسر، چندان که تعلق خاطر آدمیزاد به روزی است اگر به روزی ده بودی، به مقام از ملائکه درگذشتی.

1/5

4- شعر زیر را بخوانید و دریافت خود را از آن بنویسید.

ز کوی یار م یآید، نسیم باد نوروزی
از این بادا ر مدد خواهی، چراغ دل برافروزی

5- یکی از مثل های زیر را انتخاب کرده و سپس آن را گسترش دهید.

الف) چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی

ب) عجله، کار شیطان است.

پ) آدم ترسو، هزار بار م یمیرد.

ت) آب ریخته، جمع شدنی نیست .

14

آفرینش ادبی (14 نمره)

6- از بین موضوعات زیر یک مورد را انتخاب نمایید و به شیوه ی خواسته شده متنی تولید نمایید.

نکته مهم: دانش آموزان عزیز دقت کنید، مواردی چون: (خوش آغازی: (2 نمره) ، پرورش موضوع: بیان ساده و صمیمی و بیان احساس متناسب با موضوع / انسجام متن / سیر منطقی نوشته / فکر و نگاه نو: (11 نمره) و خوش فرجامی و جمع بندی مطالب تأثیرگذار و تفکر برانگیز بودن: (2 نمره) املای واژگان و علائم نگارشی و خوانا بودن متن، همگی جزء سنجه های ارزیابی متن تولیدی خواهد بود.

الف) رعایت نشانه های نگارشی (1 نمره)

ب) رعایت املای درست واژگان و عبارت ها و خوانا بودن متن تولیدی (2 نمره)

الف) یکی از داستان هایی که خوانده اید به روش آزاد (از زبان خود) خلاصه نویسی کنید.

ب) به یاد ماندنی ترین سفر خود را بنویسید.

پ) متنی برپایه ی گفت و گوی "گل آفتاب گردان و خورشید" بنویسید.

«با آرزوی موفقیت شما عزیزان»

1- زمان - مکان /روز سوم /مسجد - نکات جذاب (صدا انعکاس دارد/نبودن دستگای صوتی برای سخنرانان/علاقه معماران به گنبد به شکل پژواک/و ...)

2- ویژگی ظاهری : چهارشانه با قدی متوسط و صورتی گردوچشمی قهوه ای / ویژگی رفتاری: اراده ای آهنین داشت و پشتکار مثال زدنی، بسیار خوش قلب و دل نازک بود تحمل دیدن صحنه های دلخراش را نداشت .

3- وزی استاد پیری به شاگردش گفت: ای پسر این قدری که انسان به رزق و غذای روزانه اش علاقه دارد و بی تاب آن است. اگر به خداوند و کسی که به او روزی می رساند عشق می ورزید، قطعاً مقامش نزد خداوند از فرشتگان هم بالاتر بود.

4- کوی محبوب، حامل باد بهاری است، بادی که جان را زنده می کند و حیات و نشاط را به همراه دارد. اگر می خواهی بهاری شوی و جان تازه بگیری، باید دلت را همچون چراغ روشن کنی تا آمادگی این نشاط و تازگی را داشته باشد.

یا اگر از این باد بهاری ممد بخواهی و حیات و نشاط را طلب کنی، دلت همچون چراغ روشن می شود.

5- گسترش ضرب المثل چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟

در روزگاران قدیم دو دوست با یکدیگر در یک شهر و در یک خانه زندگی می کردند و هر دوی آن ها شغلشان تجارت بود و دائم در حال سفر به شهر های مختلف و گوشه کنار دنیا بودند. یک روز که آن دو در کنار یکدیگر نشسته بودند و با یکدیگر صحبت می کردند؛ صحبتشان به جایی رسید که یکی از آن ها از دیگری پرسید که تا چه زمانی ما قرار است کار کنیم و چه زمانی باید به تفریح بپردازیم؟

دوست آن مرد به او جواب داد و گفت چند سال دیگر را کار می کنیم تا سن ما هم بیشتر شود و هنگامی که با تجربه شدیم و هم مقداری ثروت بدست آوردیم آن هنگام به استراحت می پردازیم و هر کاری را که دلمان بخواهد انجام می دهیم. آن روز شخصی که سوال را مطرح کرده بود با خودش گفت : من که از مدت زمان باقی مانده عمرم خبر ندارم و پس سعی می کنم همین الان که کار می کنم مقداری از در آمدم را برای آینده خانواده ام پس انداز می کنم و با بقیه آن کار هایی را که دلم می خواهد انجام می دهم.

آن مرد دلش به حال دوستش سوخت و این موضوع را با او در میان گذاشت اما طمع او به دلش اجازه نداد که در خواست دوستش را قبول کند و همیشه به سختی کار می کرد و همیشه در حال سفر بود تا این که خیلی زود بدن او ضعیف شد و دیگر با وجود ثروت فراوان نمی توانست هر کار که دلش می خواست را انجام دهد و پیش خود گفت : چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی.

گسترش ضرب المثل عجله، کار شیطان است.

برادرم همیشه عجله داشت. با عجله راه می رفت، تندتند حرف میزد و با عجله غذا می خورد. خلاصه، همه کارهایش را با عجله انجام می داد. اصلاً صبر و حوصله نداشت. مادرم می گفت شش ماهه به دنیا آمده؛ برای همین همیشه عجله دارد. پدرم همیشه او را نصیحت می کرد که بالاخره با این عجله ای که دارد، کار دست خودش می دهد. هر وقت می خواست از خانه بیرون برود، از بس عجله داشت یک چیز را جا می گذاشت: مدارک ماشین، عینک، تلفن همراه و ... و وقتی هم می دید وسیله ای را جا گذاشته، عصبانی می شد و به خودش بد و بیراه می گفت. تا اینکه یک روز، به دلیل سرعت زیاد در رانندگی، تصادف ناگواری کرد و به شدت آسیب دید. وقتی سراسیمه و نگران بر بالینش در بیمارستان حاضر شدیم، پدرم که خیلی ناراحت بود، گفت: «پسر جان؛ خدا را شکر کن که زنده ماندی؛ اما از این حادثه عبرت بگیر! بی دلیل نمیگ ویند که عجله کار شیطان است. با عجله دست به کارهایی می زنی که شیطانی است و باعث شادی او می شوی.

گسترش ضرب المثل آدم ترسو، هزار بار می میرد

باد شدیدی می وزد جنگل سرد و تاریک است، نمی دانم از کدام سمت بروم؛ تمام اندامم می لرزد، دندان هایم به شدت به هم می خورند مثل این که آهنکی بریده بریده نواخته می شود. از شدت ترس هر لحظه پایم به شیئی می خورد و نزدیک بود که زمین بخورم. صداهایی مبهم به گوشم می رسد که هر لحظه ترس مرا بیشتر می کند. ناگهان متوجه صدای بایی می شوم که از پشت سر به من نزدیک می شود، گوشه هایم را تیز می کنم و هر چه دقیقتر می شوم صدای نفس هایش را نیز می شنوم و دیگر مطمئن می شوم که کسی به دنبالم می آید. تمام عزم خود را جزم می کنم تا فرار کنم؛ فرار به سوی روشنایی، به خانه های دور، به رهایی و نجات؛ فقط به جایی که از دست این فضای غم بار به در روم. از شدت ترس با خود زمزمه می کنم و شروع به آواز خواندن می کنم، ولی نمی توانم آرام شوم. و در حالی که می دوم پایم به تخته سنگی می خورد و بر زمین می افتم؛ دیگر توان برخاستن ندارم، تمام نیرویم را از دست داده ام. همه جا دور سر می چرخد و آخی می گویم و بیهوش می شوم. لحظه

ای که چشمم را باز می‌کنم، نوری به چشمم می‌افتد. می‌بینم که صبح شده و بر روی علفزار افتاده‌ام.

به خودم که می‌آیم متوجه می‌شوم که دیشب در جنگل گم شده بودم و در حین فرار به زمین خوردم و بیهوش شدم و وقتی دقت می‌کنم چیزی در کنارم نیست و من نیز سالم هستم؛ اما ترس بیهوده‌ای که بر من غلبه داشت هر منظره و صدایی را برایم ترسناک کرده بود به طوری که در حال مرگ بودم و اینجاست که به این سخن با ارزش پی می‌برم که می‌گویید: "ترس برادر مرگ است و آدم ترسو، هزار بار می‌میرد." آری اگر من برترین خود غلبه می‌کردم می‌توانستم بهتر تصمیم بگیرم و راه را از بیراهه تشخیص دهم. ولی واقعا آن صدای پشت سر من چه بود که ترس مانع از شناختن من شد؟ و این سوال را در ذهنم برای همیشه باقی گذاشت.

گسترش ضرب المثل آب ریخته، جمع شدنی نیست.

در یکی از روستاهای قدیمی که زندگی می‌کردند آنها مرد خانواده روزها به شهر می‌رفت تا لقمه نانی فراهم آورد و سر سفره‌ی خانواده ببرد. در یکی از روزهای گرم تابستانی که گویی خورشید از آسمان به زمین آمده بود کودک خانواده از گرسنگی و تشنگی زیاد بی‌تابی و گریه می‌کرد، در حالی که در خانه نه غذایی بود و نه بیشتر از یک کاسه آب در کوزه. مادر که دیگر طاقت اشک و ناله‌ی فرزند را نداشت همان چند جرعه آب را در کاسه ریخت تا به فرزندش بدهد اما فرزندش از سر بی‌تابی دستش به کاسه‌ی آب خورد و هر چه که در کاسه بود به زمین ریخت.

مادر بسیار شوکه شد و با دستان خود تلاش کرد که آب ریخته شده را جمع کند، اما زهی خیال باطل. آب ریخته که دیگر جمع شدنی نیست. غالباً هنگامی که رازی فاش شود، آبرویی برود و دیگر نمی‌توان آن را دوباره به حالت اولیه بازگرداند و چون ابی است که اگر بر زمین جاری شود نمی‌توان آن را جمع کرد. روزی مردی فشناشی که همه عمرش را به فاش کردن راز دیگران پرداخته بود، سرانجام مردم تصمیم گرفتند وی را از اشتباهش آگاه کنند.

پس بزرگ شهر پیش وی رفت و با وی صحبت کرد، سپس کوزه‌ای را انداخت و شکست، آب کوزه در زمین پخش شد، بزرگ شهر گفت اگر آبش را جمع کنی پاداش داری، مرد اندکی اندیشید و گفت چگونه میتوان کاری که تو با بی‌عقلی انجام دادی دوباره ایم آب را جمع کرد بزرگ شهر گفت: کاری که تو با بی‌عقلی رازهای مردم را پخش میکنی چون این آب هست که نمی‌توان آن را جمع کرد. مرد از اشتباهش آگاه گشته و حکایتش ضرب المثل ما شد یعنی آب ریخته شده جمع شدنی نیست.

(این موارد نمونه‌هایی بود. به جواب‌های درست نمره تعلق می‌گیرد.)

نشانج ببولک
تلاشی در مسیر موفقیت


تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓

 [Www.ToranjBook.Net](http://www.ToranjBook.Net)

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)